

## کولون های یهودی: از خشم تا تمکین

### آمنون کاپه لیوک، روزنامه نگار اسرائیلی

«زمان آن فرارسیده است که بساط استعماری شما برچیده شود. همه شما که مانند خار در سراسر بدن ما خلیده اید، باید به خانه هاتان در اسرائیل بازگردید.» به گفته مسئولین فلسطینی، این است پیام انتفاضه الاقصی به دو بیست هزار کولون (مهاجر استعمارگر) یهودی در ساحل غربی و نوار غزه. کولون ها دیگر نباید توهمی داشته باشند: فلسطینی ها نخواهند پذیرفت که اسرائیل مستعمرات (شهرک های مهاجر نشین) را که وحدت اراضی دولت آینده فلسطین را از هم میگسلد به خود ضمیمه کند (۱).

در اسرائیل، انتفاضه از طریق تلویزیون به درون خانواده ها راه می یابد، اما در کولونی ها (مستعمرات)، به طور مستقیم وارد می شود. پاره سنگ های انتفاضه نخستین (۱۹۹۳-۱۹۸۷) با سلاح گرم و آتشزا که امنیت مستعمرات را مستقیماً تهدید می کند جان نشین شده اند. جوانان فلسطینی نه تنها به روی ارتش، نماد اشغال، بلکه بر این نمادهای استعمار غیرقانونی سرزمین شان نیز آتش می گشایند. مهاجران استعمارگر می دانند که از این پس زندگی آن ها در خطر است.

برای حمایت از این ها ست که دولت های اسرائیل، یکی پس از دیگری، با صرف مبلغی حدود ۵۰۰ میلیون دلار، شبکه های وسیعی از جاده های مختص یهودیان بنا کرده اند تا شهرها و روستاهای فلسطینی را دور بزنند و از آن ها عبور نکنند. با این حال، حتی امن ترین این راه ها هم که از طریق تعدادی تونل، بیت المقدس را به بلوک [مجمع] اتزیون Etzion، واقع در جنوب بیت اللحم، وصل می کنند، از آغاز انتفاضه تا کنون، به دلیل تیراندازی فلسطینی ها، ده ها بار بسته شده است.

کولون ها البته از ارتش تقاضای کمک کرده اند و متعاقب آن، ارتش شمار نیروهای خود را با سربازان آماده به خدمت یا احضار ذخیره ها سه برابر کرده است. در شهر هبرون (الخلیل)، هفتصد سرباز، به محافظت از سیصد و پنجاه کولون افراطی می پردازند که در مناطق محصور شده خود، در مرکز شهر، سنگر گرفته اند.

در نوار غزه، يك لشکر به حمایت از ۵۳ خانواده مشغول است که در شهرک نتزاریم Netzarim محصور در اماکن فلسطینیان بسر می برند. اما چگونه می شود امنیت همه این کولون ها را که تعدادشان در طول ده ساله مذاکرات صلح، دوبرابر شده است، تأمین کرد؟ فلسطینی ها می خواهند حسابشان را با اشغالگران تصفیه کنند، اشغالگرانی که تنها به غصب زمین ها راضی نیستند، بلکه زندگی را تماماً بر فلسطینی ها حرام کرده اند. مصطفی عبدالنبی نتشه، شهردار الخلیل می گوید: «ناجورتر از این کولون ها برای همزیستی با ما پیدا نمی شود؛ چون هدف آن ها نه زندگی در کنار ما، بلکه به جای ما ست». از سوی دیگر، معاون وزیر دفاع اسرائیل، افرائیم سنه، در بازدیدی از این منطقه اعتراف کرد که در حوادث خونین اخیر شهر الخلیل، مسؤولیت کولون ها از فلسطینی ها بسیار سنگین تر است.

از دو جامعه که در يك سرزمین در مقابل هم قرار گرفته اند، یکی در پناه ارتش از تمام حقوق خود برخوردار است و دیگری هرروز شاهد لگدمال شدن حقوق خود می باشد. کولون ها تا امضای توافق های اسلو گمان می کردند تا ابد در این سرزمین ها باقی خواهند ماند. این عزیز دردانه های دوره مناقیم بگین و اسحاق شامیر، آینده خود را با اسحاق رابین که بیشتر طرح های مستعمره سازی را معلق کرد، در خطر دیدند، اما با نتانیا هو و متأسفانه با ایهود باراک امید خود را باز یافتند. باراک از هیچ اقدامی برای تشویق آن ها به ماندن دریغ نکرد. در دوره او شمار استعمارگران مهاجر با سرعتی دو برابر بیشتر از دوره نتانیا هو افزایش یافت.

بالاخره مذاکرات بهار ۲۰۰۰ بر مبنای حل قطعی بحران بود که به برخی از آن ها فهماند که روزی نوبت به تخلیه کولونی هایشان خواهد رسید. به آن ها وعده داده شده بود که از آنجا تکان نخواهند خورد؛ ولی امروز می بینند که به آن ها گفته می شود که مانعی در راه صلح اند.

در حقیقت، مانع عمده حل بحران، وجود ۲۰۰ کولونی ست که ۱۴۵ عدد آن، بنا به تحقیقات جنبش «صلح اکنون» به ثبت رسیده اند. زئیف شیف، مفسر نظامی روزنامه هاآرتس (Haaretz) گسترش کولونی های موجود و برپایی کولونی های جدید را - درست مثل نقض قرارداد مربوط به عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های الحاقی - «سهم» اساسی اسرائیل در فروپاشی توافق های اسلومی داند (۲).

کولون ها که یکی از علل آغاز انتفاضه اند، خود در اعمال خشونت خارق العاده اسرائیل جهت سرکوب آن نیز سهم دارند. آن ها که مصمم اند به هر قیمت از هرگونه توافق میان دولت اسرائیل و تشکیلات خودمختار فلسطین جلوگیری کنند ارتش را در جهت درهم کوبیدن قیام یاری کرده اند. این شعار را که «بگذارید ارتش غلبه کند» کولون ها درست کردند و منظور از آن این است که ارتش، مناطق تحت اختیار تشکیلات فلسطینی را اشغال و این دستگاه را نابود کند و در صورت امکان به اخراج جمعی اعراب دست بزند. ژوئل مارکوس در *هاآرتس* می نویسد: «این شعار در اساس بداندیشانه و دروغین است. ارتش نمی باید و نمی تواند در این باره تصمیم بگیرد زیرا نمی توان تمامی يك ملت را مغلوب کرد... در وضعیت کنونی، تنها راه حل را می توان در این پنج کلمه خلاصه کرد: «بگذارید عقل سالم حاکم شود». اگر ما با تمام نیروی خود واکنش نشان ندهیم، افکار عمومی جهانی از ما به عنوان نابودکنندگان يك ملت یاد خواهد کرد (۳)».

## «حاضریم اینجا را ترك کنیم»

سه جریان در میان کولون ها قابل مشاهده است: قدیم ترین و کوچک ترین آن ها - کم تر از ۵ درصد کل - از طرفداران حزب کارگر تشکیل می شود که بنا به دستور حزب به ساختن مستعمرات پرداختند. این دسته از کولون ها که می خواستند مثل اعضای کمیوتص های قبل از ۱۹۴۸ مرزهای دولت آینده را از پیش ترسیم کنند در دره اردن، بلندی های گولان و نوار غزه مستقر شدند. پس از این دسته، جریان ایدئولوژیک «اسرائیل بزرگ» قرار دارد که شمارشان را به ۴۰ درصد کولون ها تخمین می زنند و اغلب شان از متعصبین مذهبی اند. آن ها در سراسر مناطق اشغالی، هر جا که خانواده های ۸ تا ۱۰ نفری شان توانسته اند مساکن ارزان قیمت پیدا کنند استقرار یافته اند. اقلیتی از یهودیان سنتی نیز در مجاورت شهرهای بزرگ اسرائیل زندگی می کنند. اما ۵۵ درصد از کولون ها در جست و جوی کیفیت بهتری از زندگی، چشم اندازهای زیبا و آپارتمان های وسیع با قیمت های ناچیز در سرزمین های اشغالی مستقر شده اند. اعضای این گروه که به تازگی مسکن گزیده اند کمتر از دیگران به

زمین دلبستگی دارند و عموماً در نزدیکی «خط سبز» ۴ ژوئن ۶۷ زندگی می کنند. این دستهء اخیر را می توان در کولونی (مستعمره) گانیم، نه چندان دور از شهر جنین، واقع در شمال ساحل غربی رود اردن، یافت. انتفاضه روحیهء آن ها را تغییر داده است. میشا که سابقاً ارتشی بوده می گوید: «اگر مرا در جای دیگری اسکان دهند، همین امروز اینجا را ترك می كنم و بقیه هم فردا خواهند آمد».

در نتیف هگدود Netiv Hagdoud نیز که دهکدهء جمعی کوچکی ست در شمال اریحا (Jerico) همین جوء حکمفرما ست. باراك، در انتخابات گذشته، سه چهارم آراء این کولون های طرفدار حزب کار را به دست آورده بود. اینان در اجرای طرح ایگال آلون (ژوئیه ۱۹۶۷) مبنی بر الحاق يك سوم از ساحل غربی به اسرائیل به این منطقه آمده اند. یکی از این ها، به نام میکی آرونویچ، اعتراف می کند «اگر دولت به ما پیشنهاد پرداخت غرامت کند، گمان می کنم بیشتر کولون ها بپذیرند. ترك اینجا باعث تأسف ما ست ولی اگر به ما دستور دهند می پذیریم و اسلحه به دست، پشت بام ها سنگر نمی گیریم.» برای این کولون ها جایی برای شورش، مشابه آنچه در سال ۱۹۸۲، به هنگام تخلیهء یانیت در شمال شرقی صحرای سینا رخ داد، وجود ندارد. در کولونی «سال ایت» که آن را اعضاء کیبوتز و دارندگان روحیهء پیشقراولان یهود ساخته اند، ۸۶ درصد به ایهود باراك رأی دادند. نگرانی عمدهء آن ها عدم امکان استفاده از ... تلفن همراه است. یکی از اهالی به نام تووا، ۴۷ ساله، اظهار می دارد: «اصطلاح کولون به خاطر بار منفی ای که دارد برای ما خوش آیند نیست. ما مانعی بر سر راه صلح نیستیم. اگر قرار به رفتن ما از اینجا باشد، هرچند برایمان سخت است، به آن گردن می نهیم، چون ما به دلایل ایدئولوژیک به اینجا نیامده ایم، بلکه در جست و جوی کیفیت بهتری از زندگی این مکان را انتخاب کرده ایم.»

فضای حاکم بر مآله آموس Maaleh Amos واقع بین شهر الخلیل و بیت اللحم، کاملاً مخالف این است. اکثریت قاطع این کولونی به نتانیاهور رأی داده بود (۹۹ درصد). یکی از اهالی به نام اسرائیل دانتسیگر، آمریکایی الاصل، با انگشت، دهکدهء عربی منطقه را نشان می دهد و می گوید: «این دهکدهء عربی نیست. چنین چیزی وجود ندارد. این دهکده ای ست که اعراب در آن زندگی می کنند و به نظر من به طور موقت».

همین جوء در مستعمرهء ایتامار Itamar واقع در جنوب شرقی نابلس و محصور

در میان روستاهای عرب، وجود دارد که اهالی آن از یهودیان متعصب اند و همگی هوادار حزب لیکود. بر روی پلاکاردهای افراشته در مدخل کولونی این شعار به چشم می خورد: «تا زمانی که زنده ایم/ از اینجا تکان نخواهیم خورد.» خانم یائل تنه، که شوهرش متهم است یک فلسطینی را، از دهکده مجاور، در حال چیدن زیتون کشته است تأکید می کند: «ما اینجا هستیم و می دانیم چه می کنیم. ما به یهودیان تل آویو هیچ شباهتی نداریم که گوشواره به گوش هر روز از خود می پرسند شب را در کجا خوش بگذرانند و حتی نمی دانند چرا در این کشور زندگی می کنند و نه در اوگاندا (۴).

افرات Ephrat، بخشی از مجتمع اتزیون Etzion، با جمعیت ۷۵۰۰ نفره خود، از روشنفکران دست راستی و مذهبی تشکیل شده است. در اینجا هم نتانیا هو، با ۸۸ درصد آراء، موفقیت چشم گیری به دست آورد. یکی از اهالی، خانم سارا راجنیتس، برایش این سؤال مطرح است که: چگونه می توان فکر کرد یک کولون که در یک عملیات تروریستی مجروح شده تقصیر به گردن خود اوست، به این بهانه که زندگی در سرزمین های اشغالی را برگزیده است. از نظر وی، زندگی در این مناطق یک حق است. «چرا من باید ناگهان خانه ام را ترک کنم؟ چرا دهکده های دور و بر ما را تخلیه نکنند؟ وقتی که از ما می خواهند میان ترک خانه خود و ماندن و زندگی کردن تحت حاکمیت فلسطینی ها یکی را انتخاب کنیم مثل این است که به ما پیشنهاد کنند نحوه مرگمان را انتخاب کنیم: در اطاق گاز یا مقابل جوخه اعدام (۵)».

## ابراز ندامت دیررس

با این حال، انتفاضه از همین حالا باعث شده که کولون ها و به ویژه خانواده های بچه دار ترک کولونی ها را آغاز کنند. وانگهی ۴۲ درصد از اهالی ۱۴ سال دارند یا کمتر. معروف تر از همه، مورد کولونی «خرمش» واقع در شمال ساحل غربی ست که از مجموع ۶۸ خانواده، ۴۰ تای آن ها به تل آویو رفته اند «تا از دست انتفاضه راحت باشند». بیشتر این کولون ها به داخل اسرائیل بازخواهند گشت. آن ها به رغم تصمیم به ترک کولونی ها مقداری اسباب و اثاثیه در خانه های خود باقی گذاشته اند تا کولونی را به طور کامل ترک نگفته باشند و از غرامتی که قولش به آن ها داده شده محروم نشوند. یکی از این کولون ها به نام شرلی زیسمان معترف است که این منطقه را تنها برای برخورداری از زندگی بهتر انتخاب کرده و می گوید: «زندگی در مناطق اشغالی

غیر قابل تحمل و خطرناک است. من خانه ام را از دولت خریدم. ام. اگر او نمی تواند از من حمایت کند، خانه را پس بگیرد و یکی دیگر در اسرائیل به من واگذار کند».

بر طبق نظرخواهی هایی که تا کنون انجام شده، در آن سوی «خط سبز»، ۵۵ درصد یهودیان اسرائیلی تخلیهء کامل یا مقطعی را در چهارچوب يك قرارداد صلح می پذیرند.

«همانند تمام جنگ های آزادی بخش مدرن، این یکی هم با پیروزی فلسطینی ها به پایان خواهد رسید. باید دید که تا تحقق آن چه مدت زمان و چه اندازه خون باید جاری شود. به این دلیل است که سرسختی ما در حفظ کولونی های غیر قانونی که مانع دستیابی به توافق صلح می شود بی معنا ست (۶)». يك انتفاضه لازم بود تا میکائیل بن مائیر مشاور حقوقی دولت اسرائیل در سال های ۸۳ تا ۸۶ (در دورانی که او برای کولونیزاسیون توجیه قانونی قائل بود)، به این شکل ابراز ندامت کند.

از لوموند دیپلوماتیک، ژانویه ۲۰۰۱، ترجمهء سودابه مهاجر

---

۱- رك. به نقشه در لوموند دیپلوماتیک، دسامبر ۲۰۰۰.

۲- روزنامهء هآرتز، تل آویو، ۲۴ نوامبر ۲۰۰۰.

۳- همانجا.

۴- تئودور هرتسل به ششمین کنگرهء صهیونیستی (۱۹۰۳) پیشنهاد کرد که «میهن ملی یهود» در اوگاندا مستقر شود. این پیشنهاد در کنگرهء هفتم (۱۹۰۵) رد شد و فلسطین را ترجیح دادند. [پس از جنگ جهانی دوم، استالین هم پیشنهاد کرده بود که یهودیان رانده شده از اروپای باختری در منطقه ای از اتحاد شوروی اسکان داده شوند؛ البته به این شرط که مبنای جامعه شان بر دین (یهودیت) نباشد، که پذیرفته نشد. (م)]

۵- روزنامهء اسرائیلی یدیعوت احرنوت، ۸ دسامبر ۲۰۰۰.

۶- هآرتز، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰.